

نگارید زان کلک مانی دبیر سگ مرده بر روی آن آبیگر!

دکتر را زانی در جایی که سخن از شرایط دبیری میراند، میگوید: «نویسنده کسی است که بر اثر اکتساب مقدمات و ممارست در کار از عهده بیان و نگارش مقصود بر آید و معانی ذهنی را در قالب الفاظ مناسب بریزد و نوشته او از عیوب دستور زبان بری و قواعد فصاحت و بلاغت منطبق باشد»^۱.

درین مورد نظامی عروضی در کتاب چهار مقاله نوشته است: (دبیر) «در سیاق سخن آن طریق گیرد که الفاظ متابع معانی آید و سخن کوتاه گردد»^۲. شرایط دبیری بسیار اند از آنجمله:

- ۱- برای تبحر در فن نگارش نویسنده نامه باید با قواعد استعمال لغات و طرز تلفیق کلمات و استخراج معانی منظور را فراگرفت،
- ۲- از خطایاتی که هنگام نگارش مقصود دانستگیر نویسنده شود بپرهیزد و روش خاصی برای درک معانی بخود و یا بدیگران تحمیل ننماید،
- ۳- نامه یا انشاء باید دارای نظم منطقی باشد و مقدمات و نتایج نامه او ربط علت و معلول داشته باشد،
- ۴- فکر نویسنده متمرکز باشد و پراکنده گویی را در نامه راه ندهد،
- ۵- نویسنده در انتخاب معانی بکر و ترکیبات زیبا و مضامین دلنشین و تصورات بدیع کوتاهی نورزد»^۳.

بنا بگفته ادیب السلطنه سمیعی: «دبیر ناچار بفرا گرفتن بسی از دانش‌ها نیازمند است و باید که در کار دبیری از فنون گوناگون استفاده کند و یاری جوید، چه دبیر سخن سنج همیشه در یک موضوع سخن نراند، و بر یک نسق چیز ننویسد، بل اختلاف سخن او باندازه اختلاف مبحث‌ها و موضوعهائی است که ویرایش آید و ناگزیر باید که از هر چیز بهره‌ای بسزا داشته باشد تا بتواند در همه گونه سخن‌ها وارد شود و در هر باب سخنوری کند»^۴.

در چهار مقاله آمده است: «پس دبیر باید که کریم الاصل، شریف العرض، دقیق النظر، عمیق الفکر، صائب الرؤی باشد و از ادب و ثمرات آن قسم اکبر و

- ۱- فرهنگ آنند راج، جلد سوم، ص ۱۷۹۹.
- ۲- نامه نگاری در ایران، ص ۱۳.
- ۳- چهار مقاله، ص ۲۲.
- ۴- نامه نگاری در ایران، ص ۱۴.
- ۵- آئین نگارش، ص ۱۷.

خط او فرنیصیب او رسیده باشد و از قیاسات منطقی بعید و بیگانه نباشد و مراتب ابناء زمانه شناسد و مقادیر اهل روزگار داند.^۱

در مقدمه شاهنامه منشور ابو منصور برای شرایط نگارش بدین شرح قائل شده است :

«پس دانایان که نامه خواهند ساختن ، ایدون سزد که هفت چیز بجای آورند مر نامه را ، یکی بنیاد نامه ، یکی فر نامه ، سدیگر هنر نامه ، چهارم نام خداوند نامه ، پنجم مایه و اندازه سخن پیوستن ، ششم نشان دادن از دانش آن کس که نامه از بهر اوست ، هفتم در های هر سخنی نگاهداشتن»^۲.

و نیز مؤلف قابوسنامه عنصر المعالی کیکاؤس برمزیت نامه نویسن چنین افزوده است : «در نامد باید بسیار غرض و معانی در اندک مایه سخن بکار بری ، پرهیز از سخن غامض و چیزی که تودانی و دیگران را بشرح آن حاجت افتد مگوی ، و نامه خود را باستعارات و آیات قرآنی و اخبار رسول علیه السلام آراسته دار»^۳.

و درین مورد ابن قتیبه در «ادب الکاتب» میگوید : برای تأثر بیشتر در مخاطب معانی زیاد را در کلمات مختصر بکنجان ، و هم خواجه نصیر در «آداب سخن» چنین گفته است : نباید الفاظ غریب و کنایات نامستعمل بکار برد. و همین طور فردوسی نیز در شاهنامه راجع به دبیر و فن دبیری سخن رانده است :

دبیری است از پیشه ها ارجمند	و زو مرد افکنده گردد بلند
چو با آلت و رای باشد دبیر	نشیند بر پادشاه ناگزیر
بلاغت چو با خط فراز آیدش	باندیشه معنی بیفزایدش
ز لفظ آن گریند که کوتاهتر	بخط آن نماید که دلخوا تر
خردمند باید کد باشد دبیر	همان برد بار و سخن یاد گیر

پس از آن که مفهوم واژه نامه و مزایا و خصوصیات نامه نویسن روشن گردید ، اینک می پردازیم به تاریخ نامه نویسی در ادبیات زبان فارسی ، بقول دکتر رازانی : نامه در جریان تاریخ ادبی کشور سرفراز ما بوسایل گوناگون تهیه و ابلاغ می شده است ، پیش از ظهور خط که خود عامل اصلی نامه نگاری و تسلط بر زمان و مکان و دافع دوری و دشمن مهجوری است با هدیه ای و علامت و نشانه ای عملی می گردیده و پس از اختراع مرکب رنگی و آمیختن جوهر با عطر و عود و شیرازه

۱- چهار مقاله ، ص ۲۰.

۲- مقدم شاهنامه ابو منصور بحواله نامه نگاری در ایران ، ص ۱۶.

۳- قابوسنامه ، باب ۲۹ ، ص ۲۰۸.

۴- بحواله نامه نگاری در ایران ، ص ۱۸-۱۹.

۵- شاهنامه فردوسی ، ج ۵ ، ص ۲۰۷۵.

بندی و اندازه معین بکار بردن توسط سانی نابغه دین ساز باستانی ایران و لزوم ابلاغ او امر شاهان به کشور های تابعه و دور دست به صورت دیگر جلوه گر شده است. از دوران باستان رساله آئین نامه بنشستن باخط و زبان پهلوئی موجود بوده و قسمتی در دست است که روش نگارش نامه را به پیشگاه شاهان تعلیم داده است^۱.

در دوران اسلامی ایران از دور امیران استقلال طلب کشور بیشتر از اعصار جانداری . . . سامانیان ، غزنویان ، سلجوقیان ، خوارزمشاهیان ، مغول ، صفویه ، افشاریه ، زندیه و قاجاریه نمونه ها و اصولی جالب در اختیار داریم.

بنا بگفته دکتر صفا : «در ایران آئین نامه نویسی از دیر باز به دو بخش سلطانیات و اخوانیات تقسیم شده است ، قسم اول را نامه هایی که سلاطین و امراء بیکدیگر یا بزرگستان خود می نوشته اند و قسم دوم را نامه هایی که طبقات مختلف مردم بیکدیگر مرقوم میکرده اند تشکیل میدهد^۲». پس معلوم شد که : از روزی که بشر با بلاغ مکذونات قلبی نیاز یافت با پیام و ارسال علائم و کم کم مکاتبه در مواقعی که طرف خطاب دور و یا بعلی از مواجهه معذور بود عملی گردیده است^۳.

چنانکه تاریخ ادبیات فارسی بازگو میکند ، آئین نامه نویسی از قدیم الایام مورد توجه شاهان ایرانی و ادبای آن سرزمین بوده و کتب متعددی راجع به این فن شریف تألیف نموده و مؤلفان قسمتی از کتاب خود را به آداب و طرق نامد نویسی اختصاص داده اند که شرح آن ازین قرار است :

- ۱- چهار مقاله : اولین اثر فارسی است که بوسیله نظامی عروضی (م ۵۵۱ هـ) نوشته شده و یک مقاله آن کتاب درباره دبیری میباشد.
- ۲- قابوس نامه : مؤلف این اثر جاویدان عنصر المعالی کیکاؤس است ، او یک باب را به آئین دبیری مختص کرده است.
- ۳- سیاست نامه : توسط نظام الملک نوشته شده و باب پانزدهم درباره نامه نویسی است.
- ۴- التوسل الی التوسل : از تألیفات بهائی بغدادی است و در آغاز کتاب بخشی راجع به آئین نامه نویسی دارد.
- ۵- نفایس الفنون : محمد پسر محمود آملی (م ۷۳۵ هـ) مؤلف آنست ، وی یک باب کتاب را اختصاص به اصول و قواعد انشاء و مراسلت داده است.

۱- نامه نگاری در ایران ، ص ۲.

۲- گنجینه سخن ، جلد اول ، ص ۱۴۰.

۳- نامه نگاری در ایران ، ص ۲۴.

۶- دستور الکاتب: مؤلف آن محمد پسر هندوشاه میباشد و کتاب مذکور در بین سنوات (۷۵۵-۷۷۶هـ) تألیف گردیده.

۷- صحیفه شاهى: بدست حسن واعظ کاشفی (م. ۹۱۰هـ) نوشته شده و در آئین انشاء و نامه نگاری میباشد.

۸- مخزن الانشاء: از مؤلف مزبور و در آئین انشای ادبی است!

بطور خلاصه میتوان گفت که نامه نویسی در ایران در هر عصر و زمانی مورد توجه نویسندگان بوده و چون احاطه جمیع آثار شان متعلق به موضوع ما نیست، لذا صرف نظر کرده به همین اجمال اکتفا میشود.

نامه نویسی در عهد اورنگزیب

از مطالعه تاریخ سیاسی و ادبی پاکستان و هند میشود پی باین حقیقت برد که تقریباً همگی فاحین سرزمین مزبور یا فارسی زبان و یا دست کم عاشق زبان فارسی بوده اند و آنان فرهنگ و زبان فارسی را در آن دیار گسترش داده اند، پیش از سلطنت تیموریان در سلسله های حکومت ممالیک و لودیان و غیر آن نیز اداره دیوان وجود داشته و مراسلت و نامه نویسی از بزرگ ترین منصب سلطنتی شمرده می شد و در همین روزگار ادبای فارسی نویس پاکستان و هند کتابها در آئین نامه نویسی تألیف نموده اند، چنانکه امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵هـ) کتابی بنام «اعجاز خسروی» نوشتند است که ارزش بسیار دارد، او در چهار باب نخستین کتاب مذکور درباره دبیری بحث کرده است، و قریب یک قرن پس از آن خواجه عماد الدین محمود گاوآن ملقب به صدر جهان (۸۱۳-۸۸۶هـ) که در سلطنت ایالت دکن سمت وزیری را دارا بوده کتابی بعنوان «مناظر الانشاء» تألیف نموده که در آئین نامه نویسی و خصیصه های نامه نویسی است، او در همین کتاب راجع به دبیر و منشی مینویسد: «منشی کسی است که او را کیفیت راسخه باشد که بسبب آن قادر بود، برادای معنی مقصود، بطریقی که نزد بلغا پسنندیده باشد، یعنی کلامی که ادای معنی بان میکند مطابق مقتضای مقام باشد مع فصاحة الکلام^۱». محمود گاوآن مجموعه منشآت بسیار زیبا بنام ریاض انشاء نیز دارد و بعنوان سرمشقی برای نامه نگاران مورد استفاده بوده است.

لازم بتذکر است که تیموریان هند اکثر شان شاعر فارسی زبان و توزک نویس و دانش دوست بوده اند و در نتیجه دربار آنان مجمع شاعران و ادیبان بوده، چنانکه

۱- استفاده از Insha Literature، ص ۸۰.

۲- مناظر الانشاء، ص ۱۰۱.

در عصر شان صد ها شاعر و منشی اعم از مسلمان و هندو از خاک شبه قاره پاکستان و هند برخاسته اند، درین ضمن هر کرون بن ماتهر داس کنبو ملتانی، چندر بهان برهن، طالع یار، خواجه ابو الفتح گیلانی و ابو الفضل علامی را میشود نام برد که در نامه نویسی و آئین دبیری شهرت بسزائی دارند، ابو الفتح یک مجموعه منشات و ابو الفضل دو مجموعه بنام «مکاتبات علامی» و «رقعات ابو الفضل» دارد و این مجموعه ها باب تازه ای را بر منشیان پاکستان و هند گشوده اند.

دوران درخششان حکومت اورنگزیب چه از نظر پیشرفت علوم، و چه از لحاظ توسعه نظم و نشر فارسی اهمیت بسیار دارد، در عصر این پادشاه عالم و علم دوست صد ها نفر در شاعری، داستان نویسی، تراجم، تاریخ، سوانح و تصوف و اخلاق نام پیدا کرده اند، ولی آنان بیشتر از هر فن نامه نویسی و انشاء را موضوع خود ساخته آثار گرانبهائی را بوجود آورده اند.

در عهد اورنگزیب ادیبان و منشیان پاکستان و هند دهها کتاب در آئین نامه نویسی و انشاء تألیف نموده اند، و چون موضوع مجال تفصیل نمیدهد لذا بحکم اجبار فهرست کتابها و مجموعه های معتبر و مشهور این عصر نوشته میشود که ازین قرار است:

- ۱- انشای طرب الصبیان : از نور الدین محمد برادر زاده ابو الفضل علامی، (۱۰۳۷هـ).
- ۲- انشای هرکرون : از هرکرون بن ماتهر داس کنبو ملتانی (۱۰۴۰هـ).
- ۳- انشای خانزاد خان : از امان الله حسینی (م ۱۰۴۶).
- ۴- بهار سخن : از محمد صالح کنبو لاهوری (م ۱۰۷۰هـ).
- ۵- جامع القوائین : انشای خلیفه شاه محمد قنوجی (م ۱۰۸۵هـ).
- ۶- خلاصة مکاتیب : از منشی سجان سنگه پتیالوی (۱۱۰۷هـ).
- ۷- مفید الانشاء : از منشی لیکه راج، مرتبه (۱۱۱۰هـ).
- ۸- انشای فیض بخش : از شیر علی حمله لاهوری (۱۱۱۸هـ).
- ۹- طراز انشاء : از اندرجیت حقیر یا محقر (۱۱۳۰هـ).
- ۱۰- هفت انجمن : از طالع یار.
- ۱۱- منشات بیدل : مجموعه نامه های میرزا عبدالقادر بیدل شاعر معروف شبه قاره است (۱۱۳۳هـ).
- ۱۲- مجمع الانشاء : از محمد امین بنی اسرائیل، ملازم بده چند امیر نظام الملک (۱۱۳۸هـ).
- ۱۳- دقاتق الانشاء : از رنجپور داس پسر رنجیت رائے (۱۱۴۵هـ).
- ۱۴- خطوط راجه رام کنت محمد شاهی (۱۱۵۲هـ).

- ۱۵- دستور الانشاء : از منشی مسیح یار محمد قلندر ، نامه ها متعلق به اوضاع بنگال (۱۱۷۰هـ).
- ۱۶- چار چمن فیض : مجموعه نامه های سلاطین نظام الملک حیدر آباد (۱۱۷۲هـ).
- ۱۷- انشای مجموع القواعد : از رام نرائن (۱۱۹۰هـ).
- ۱۸- انشای مطلوب : از شیخ مبارک قرشی (۱۱۹۷هـ)!
- علاوه ازین دکتر نور الحسن انصاری نام بعضی آثار دیگر که در آئین نامه نویسی نوشته شده یا مجموعه مشقات است در کتاب خود آورده که بشرح ذیل میباشد :
- ۱- خاص الانشاء : مجموعه مشقات معین الدین جامعی است که در سال ۷۴۰ هـ تدوین گردید ، درین مجموعه نامه هایی بنام رجال بزرگ مانند دار شکوه ، ملا محسن قالی کشمیری و میر جمله دیده میشود.^۲
- ۲- نگار نامه : مجموعه ایست از نامه ها و فرامین و اسناد دولتی عهد اورنگزیب که یوسیلته منشی لعل چند ملتانی بسال ۹۴۰ هـ ترتیب و تدوین گردیده.^۳
- ۳- انشای عبدالرسول : راجع به اصول و قواعد و آئین نامه نویسی نوشته شده.^۴
- ۴- انشای دستور الهی : مجموعه مکاتیب میر ضیاء الله بلگرامی است.
- ۵- ریاض الوداد : مجموعه نامه های ایزد بخش رسا میباشد او اهل آگره و از طرف اورنگزیب فرماندار و خزانه دار آگره نیز بوده است.^۵
- ۶- کارنامه واقعه : مجموعه ایست مشتمل بر فرامین و مکاتیب و منشورات شاهی که بدست چتهمن منشی در سال ۱۱۱۶ هـ تألیف گردیده است.^۶
- ۷- ذخیره جواهر : مجموعه عرائض و نامه هایی متعلق به اوضاع بنگال میباشد که شاهنوار حسینی منشی سید عزت خان که دیوان شاهزاده عظیم استاندار بنگال بوده میباشد.

۱- استفاده از Insha Literature ، ص ۸۱ و مقدمه رقعات عالمگیر ، ص ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸.

۲- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۳۸۳.

۳- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۳۸۷.

۴- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۳۹۰.

۵- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۳۹۵.

۶- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۴۰۵.

- ۸- گلدسته سخن : مجموعه نگارشات منظوم و منثور مل رائے شوقی است که پسرش جوت پرکاش آنرا بسال ۱۱۳۲ هـ مدون کرده است.^۱
- ۹- انفاص رحیمیه : مجموعه مکتوبات و ملفوظات شاه عبدالرحیم دهلوی پدر شاه ولی الله است ، پسرش شاه اهل الله آنرا مرتب کرده است.^۲
- ۱۰- مکاتیب جلیل : مجموعه نامه های عبدالجلیل بلگرامی است که بنام پسر خود مرقوم نموده که سید محمد نام داشت و او آنها را برای برادر زاده اش مرتب ساخته است.^۳

انواع نامه ها

اینک میپردازیم به معرفی انواع نامه ها که در عهد تیموریان شبه قاره به اشخاص مختلف در اوضاع گوناگون نوشته می شد ، هر یک ازین نامه ها بنام خاصی معروف بوده است ، البته مقصود درینجا همان قسمت سلطانیات است که تعریف آن سابقاً مرقوم گشته است :

- ۱- فرمان ، شفه و احکام : این قسمت نامه هایی را تشکیل میدهد که پادشاه به شاهزاده ها و یا به افسران عالیه مرتبه و یا به حاکم کشور دیگر می نوشت.
- ۲- نشان : نامه ای را می گفتند که یکی از اعضای خانواده سلطنتی بنام شخصی غیر از خاندان خودش مینگاشت.
- ۳- عرضداشت : اسم نامه است که شاهزاده بنام پادشاه و یا شخصی دیگر بنام پادشاه یا بنام شاهزاده ها ارسال میداشت.
- ۴- فتحنامه : نامه ایست که از طرف استاندار بحضور پادشاه نوشته می شد.
- ۵- حسب الحکم : نامه ای میباشد که وزیر بدستور پادشاه از طرف خود مرقوم میداشت.
- ۶- احکام ، رمز و اشاره : آن جملات و عباراتی است که پادشاه بدست خود نگاشته به منشیان میداد و منشی طبق آن رمز و اشاره فرمان را کامل ساخته می فرستادند.
- ۷- سند : گویا پروانه تقرر و انتصاب استاندار و غیر آن بوده است.
- ۸- دستک : پروانه راه میباشد که به تاجران برای بردن کالای تجارتی و یا به شخصی بمنظور ورود به دربار و غیر آن داده می شد.

۱- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۴۰۶ .
 ۲- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۴۱۲ .
 ۳- فارسی ادب بعهد اورنگزیب ، ص ۴۲۵ .

۹- رقعہ : بطور مطلق ہمگی نامہ ہا رقعہ می گفتند! باید در نظر داشته باشیم کہ نامہ های دیگر نیز با تفاوت کمی مانند عہد نامہ ، تہنیت نامہ ، مکتوب و مثال در دورہ های سلطنت مغولان در شبہ قارہ پاکستان و ہند وجود داشته است.

چون «فرمان» ، «مکتوب» و «رقعہ» مہمترین قسمت نامہ را تشکیل میدہد بدین سبب ضروری بنظر میرسد کہ توضیحی راجع بہ ارکان (اجزاء) ہر یکی دادہ شود ، فرمان ہا کہ از طرف پادشاہ صادر می شد مشتمل بر دو قسم بودہ است : اول آن کہ در آن پادشاہ بہ ہنرمندان ماهر عاطفتی میفرماید و مخاطب معین ندارد ، حامل شش اجزاء میباشد : ۱- تمجید خداوند ، ۲- صلوات و تسلیم و لغت ، ۳- اظہار اہمیت ہنر و یا حرفہ خاصی ، ۴- توصیف کسانیکہ در آن ہنر مہارت و علاقہ داشتہ اند ، ۵- ذکر شخصی کہ فرمان بنام او صادر شدہ ، ۶- وبالآخرہ سفارش دربارہ آن ہنرمند.

قسم دوم فرمان را نامہ ای تشکیل میدہد کہ توسط آن دستور مأموریت بہ شخصی بہ انجام ساختن کاری دادہ می شد و اینگونہ منشور ہا دارای ہفت جزء بودہ است بشرح ذیل : ۱- حمد ، ۲- لغت ، ۳- اہمیت و مرتبہ ہنر ، ۴- سبب صدور فرمان ، ۵- تجلیل شخصی کہ مخاطب فرمان بود ، ۶- بیان امری کہ برای آن مأمور است ، ۷- تأکید برای انجام مأموریت و تحویف در صورت عدم انجام آن!

مکتوب دارای چہارہ جزء بودہ : ۱- حمد ، ۲- لغت ، ۳- دعا ، ۴- نام مکتوب الیہ ، ۵- ذکر کاتب ، ۶- سلام ، ۷- ابلاغ اسلام ، ۸- اشتیاق ، ۹- طلب ملاقات ، ۱۰- تاریخ کتابت ، ۱۱- اطلاع حالات ، ۱۲- التماس ، ۱۳- مقدمہ اختتام ، ۱۴- رکن اختتام وغیرہ. و ہم چنین «رقعہ» سہ جزء میداشت امثال : ۱- دعا ، ۲- اطلاع حال ، ۳- دعا^۳.

۱- مقدمہ رقعات عالمگیر ، ص ۲۱ ، ۲۲ و مجلہ البصیر (اردو) ، ص ۲۷۹.

۲- مقدمہ رقعات عالمگیر ، ص ۱۶.

۳- مقدمہ رقعات عالمگیر ، ص ۱۷.

تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند

- پہلی جلد ، مقدمہ ، مرتبہ ڈاکٹر عبادت بریلوی
- دوسری جلد ، عربی ادب ، مرتبہ سید فیاض محمود ، پروفیسر عبدالقیوم ۱۷/-
- تیسری جلد ، فارسی ادب ، اول (۱۵۲۶-۱۰۰۰ء) مرتبہ ڈاکٹر محمد باقر ،
ڈاکٹر وحید مرزا ۱۶/-
- چوتھی جلد ، فارسی ادب ، دوم (۱۵۲۶-۱۷۰۷ء) مرتبہ مقبول بیگ بدخشانی ۳۰/-
- پانچویں جلد ، فارسی ادب ، سوم (۱۷۰۷-۱۹۷۲ء) مرتبہ سید فیاض محمود ،
سید وزیر الحسن عابدی ۲۳/-
- چھٹی جلد ، اردو ادب ، اول (ابتدا سے ۱۷۰۷ء تک) مرتبہ ڈاکٹر وحید قریشی ۲۲/-
- ساتویں جلد ، اردو ادب ، دوم (۱۷۰۷-۱۸۰۳ء) مرتبہ سید وقار عظیم ۱۸/-
- آٹھویں جلد ، اردو ادب ، سوم (۱۸۰۳-۱۸۵۷ء) مرتبہ سید فیاض محمود ۱۶/-
- نویں جلد ، اردو ادب ، چہارم (۱۸۵۷-۱۹۱۳ء) مرتبہ سید فیاض محمود ،
ڈاکٹر عبادت بریلوی ۲۳/-
- دسویں جلد ، اردو ادب ، پنجم (۱۹۱۳-۱۹۷۲ء) مرتبہ سید فیاض محمود ۲۷/-
- گیارہویں جلد ، بنگالی ادب ، اول (۱۸۵۷-۱۹۱۳ء) مرتبہ سید فیاض محمود ۱۸/-
- بارہویں جلد ، بنگالی ادب ، دوم (۱۸۵۷-۱۹۷۰ء) مرتبہ سید فیاض محمود ۱۷/-
- تیرہویں جلد ، علاقائی ادبیات ، اول (پشتو ، پنجابی ، سندھی) مرتبہ
سید فیاض محمود ۲۲/-
- چودھویں جلد ، علاقائی ادبیات ، دوم (بلتی سے لے کر براہوئی تک) مرتبہ
سید فیاض محمود ۱۸/-
- پندرہویں جلد ، اشاریہ جلد اول ، اردو ادبیات
مرتبین : ڈاکٹر عبدالغنی ، عبدالرحمن ملک ، نادرہ زیدی
- سولہویں جلد ، اشاریہ جلد دوم ، بنگالی ادبیات ” ”
- سترہویں جلد ، اشاریہ جلد سوم ، علاقائی ادبیات ” ”
- اٹھارہویں جلد ، اشاریہ جلد چہارم ، فارسی ادبیات ” ”
- انیسویں جلد ، اشاریہ جلد پنجم ، عربی ادبیات ” ”

ملنے کا پتہ : پنجاب یونیورسٹی سیملز ڈپو ، لاہور

لگارش : ڈاکٹر محمد بشیر حسین

محمد اسلم رانا

فارسی اور پنجابی کے لسانی روابط

کرہ ارض پر بسنے والا پہلا انسان ایک خاص آسانی زبان بولتا تھا۔ جوں اس کی اولاد بڑھ پھل کر قبیلوں اور قوموں میں بٹی گئی وہ روئے زمین کے مختلف خطوں میں آباد ہو کر ایک دوسرے سے دور تر ہوتی گئی۔ اس دوری کا نتیجہ تھا کہ امتداد زمانہ کے بعد ان میں سے ہر ایک کی زبان دوسرے سے نہ صرف مختلف ہوتی گئی بلکہ خالق کائنات کی حکمتوں کے تحت بہت سی نئی زبانیں بھی پیدا ہوئیں اور زبان آفرین کے کلام مقدس کے مطابق زبانوں کا اختلاف اور

گائے گائے زبانوں کا پیدا ہونا اس کی نشانیوں میں سے ہے۔ فرمان الہی ہے :

’وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْخِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ‘

(اور اس کی نشانیوں میں سے آسمانوں اور زمین کی تخلیق اور تمہاری زبانوں کا اختلاف ہے)۔

نئی پیدا ہونے والی زبانوں میں کوئی بھی ایسی نہ تھی کہ وہ کسی قوم کے کسی نئے خطے میں جا بسنے کے ساتھ خصوصی طور پر اس قوم کے لئے آسان سے اتر پڑتی ہو اور اس کا دنیا میں موجود زبانوں کے ساتھ کوئی رابطہ نہ ہو بلکہ ہر نئی زبان کی عمارت، ہمیشہ اس خطے میں رائج زبانوں اور بولیوں کی بنیادوں پر، فطری عوامل کے زیر اثر استوار ہوتی رہی ہے۔ یہی وجہ ہے کہ دنیا کی ہر زبان کا اپنے خطے کی زبانوں سے گہرا رابطہ ہوتا ہے بلکہ دور دراز خطوں کی زبانوں سے بھی کچھ نہ کچھ تعلق ضرور ہوتا ہے۔ اسی بنا پر ماہرین لسانیات نے دنیا بھر کی زبانوں اور بولیوں کو مختلف خاندانوں میں تقسیم کر رکھا ہے۔ کچھ سامی زبانوں کے خاندان ہیں تو بعض آریائی زبانوں کے۔ آریائی زبانوں کا ایک خاندان ’ہندو یورپین‘ کہلاتا ہے تو دوسرا ’ہندو ایرانی‘۔ ہر خاندان کی زبانیں، قدیم سے لے کر اب تک، ایک دوسری کے ساتھ مربوط رہی ہیں۔ یہی حال فارسی اور پنجابی کا ہے جن کا تعلق، زبانوں کے ایک ہی خاندان (ہندو ایرانی) سے ہے۔

فارسی اور پنجابی کی مائیں یعنی اوستا اور سنسکرت نہ صرف ایک ہی خاندان سے تعلق رکھتی ہیں بلکہ معاصر بھی ہیں۔ لہذا ان زندہ زبانوں میں گہرا ربط ہونا ایک فطری امر ہے۔ فارسی اور پنجابی کے لسانی ربط کو ہم نے مختلف پہلوؤں سے بیان کرنے کی کوشش کی ہے :

(۱) سب سے پہلے حصے میں وہ ربط واضح کیا گیا ہے جو قدیم اور گہرا ہے۔ یعنی دونوں زبانوں کے ایسے الفاظ کی نشاندہی کی گئی ہے جو ایک ہی اصل یا مادہ سے وجود میں آئے ہیں۔ کبھی یہ اصل اوستائی زبان یا فارسی باستان یا پہلوی یا گُردی یا تاجیکی سے تعلق رکھتی ہے تو کبھی سنسکرت سے۔

(۲) دوسرے حصے میں ایسے الفاظ درج ہیں جو فارسی اور پنجابی میں یکساں تلفظ اور معنی میں بولے یا لکھے جاتے ہیں۔

(۳) تیسرا حصہ ایسے فارسی کلمات پر مشتمل ہے جو تھوڑے بہت تلفظ کے اختلاف کے ساتھ پنجابی میں رائج ہیں۔

(۴) چوتھے حصے میں فارسی کے وہ الفاظ نقل کئے گئے ہیں جن کا نہ صرف تلفظ بلکہ پنجابی میں آکر معانی و مفہوم بھی بدلا ہے۔

(۵) پانچویں قسم ایسے الفاظ کو ظاہر کرتی ہے جو عملِ قلب کے نتیجے میں ذرا بدلے ہوئے نظر آتے ہیں اور ان کے معانی کبھی وہی فارسی والے ہیں یا کبھی بدل گئے ہیں۔ مثلاً فارسی لفظ 'قفلی' پنجابی میں 'قلفی' بنا ہے اور معانی وہی ہیں جب کہ فارسی کا 'چاک' پنجابی میں 'کاج' بنا ہے، لیکن معانی قدرے تبدیل ہو گئے ہیں۔ 'عملِ قلب'۔ ایک لفظ کے اندر حروف جب اپنی جگہ آگے پیچھے کر لیتے ہیں تو ایسا کرنے کو 'عملِ قلب' کہا جاتا ہے۔

(۶) پنجابی الفاظ و محاورات کی چھٹی قسم وہ ہے جو فارسی الفاظ و محاورات کا ترجمہ ہیں اور دونوں زبانوں میں ایک ہی مفہوم کے لئے اور اسی موقع و محل پر استعمال ہوتے ہیں۔

(۷) ساتویں قسم میں ایسے پنجابی الفاظ کو جمع کیا گیا ہے جن میں فارسی گرامر کا کوئی نہ کوئی اصول کارفرما ہے۔ یعنی کہیں فارسی کی ضمائر متصل (میم، شین وغیرہ) بعینہ استعمال ہوئی ہیں تو کہیں فاعلی یا پیشہ ورائہ 'گر'۔ نیز بعض پنجابی الفاظ میں جمع بنانے کا وہی طریقہ (الف نون بڑھا کر) اپنایا گیا ہے جو فارسی میں رائج ہے۔ الف ندا کا استعمال بھی ویسے ہی ہے جیسے فارسی میں لکھا جاتا ہے۔